

سخنان تاریخی پیامبر

در مسجد الحرام

اجتماع عظیم و باشکوهی در مسجد الحرام ، گردخانه خدا بوجود آمده بود ، مسلمان و مشرک ، دوست و دشمن در کنار هم قرار داشتند ، وهاله ای از عظمت اسلام و بزرگواری پیامبر اکرم ، محوطه مسجد را فرا گرفته بود و آرامش و سکوت سایه خود را بر فراز مکه گسترده وهنگام آن رسیده بود که پیامبر اسلام سیمای واقعی دعوت خود را ب مردم نشان دهد . و سخنرانیهای را که تقریباً بیست سال پیش آغاز نموده و بر اثر شرارت مشرکان به اتمام آن موفق نشده بود به پایان برساند .

پیامبر عالیقدر اسلام خود فرزند همان محیط بود ، وبه درد و درمان جامعه عرب آشنائی کامل داشت اومیدانست که علت انحطاط مردم مکه چیست ، از این نظر در این صدد برآمد که دست روی دردهای اجتماعی جامعه عرب بگذارد ، و این بیماریهای خانمان بر انداز را بطور کامل معالجه بنماید .

مادر این صفحات فرازهایی از سخنان پیامبر اسلام میآوریم ، وهر قطعه ای از آن برای معالجه يك درد خاصی ایراد شده است که در زیر به آنها اشاره میشود :

۱ - موضوع تفاخر به فامیل و خانواده و قبیله ، از دردهای ریشه دار جامعه عرب بود ، وبزرگترین افتخار برای يك نفر این بود که شاخه ای از يك قبیله سر شناس مانند قریش باشد . او برای بر انداختن این اصل موهوم

چنین فرمود :

ایها الناس ان الله قد اذهب عنكم نخوة -
الجاهلیة و تفاخرها با بائها الا انکم من آدم
و آدم من طین الا ان خیر عباد الله عبد
اتقاه :

او برای مجاله این درد ، و بر انداختن این
کاخ موهوم فضیلت رو به مردم کرد و
گفت :

الا ان العربیة لیست باهوالدولکنها لسان
ناطق فمن قصر عمله لم یبلغ به حسبه :

یعنی : مردم عرب بودن ملاک شخصیت
و جزو ذات شما نیست ، بلکه آن تنها زبانی گویا
است ، و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی
کند ، افتخارات پدیری او را به جایی نمیرساند ،
و کمبود کار او را جبران نمیکنند .

آیا بیانی شیواتر و رساتر از این میتوان
یافت ؟

منادی حقیقی آزادی به جمله های پیش اکتفاء
نکرد ، برای تحکیم تساوی انسانها و جامعه ها
جمله های زیر را افزود و فرمود :

ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل
استان المطط لافضل للعربی علی العجمی ولا
للاحمر علی الاسود الا بالتقوی :

یعنی : همه مردم در روزگار گذشته و حال
مانند دندانهای شانه مساوی و برابرند ، و
عرب بر عجم ، و سرخ بر سیاه برتری ندارند .
ملاک فضیلت تقوی و پرهیز کاریست .

او با این بیان همه گونه امتیازات ناروا و
تضییقات بی حد و حساب را از میان ملل جهان بر-
داشت ، و کاری را که اعلامیه حقوق بشر وینا
منشور آزادی و برابری بشر با آنهمه سروصدا
انجام نداده است ، او در آن روزگار پیشین
انجام داد .

۳- جنگهای صدساله و کینه های دیرینه
ملل عرب بر اثر جنگهای داخلی و خون-

ای مردم خداوند در پرتو اسلام افتخارات
دوران جاهلیت و مباهات بوسيله انساب را از
میان شما برداشت همگی از آدم بوجود آمده اید ،
و او نیز از گل آفریده شده است ، بهترین
مردم کسی است که از گناه و نافرمانی چشم
پوشد .

او برای اینکه به جهانیان برساند که مقیاس
منحصر شخصیت و برتری ، تقوی و پرهیز کاریست
دریک فراز از سخنان خود ، تمام مردم را به
دو دسته تقسیم کرده و فضیلت و افتخار را از آن
جمعی دانسته که متقی و پرهیزگار باشند
و او با این تقسیم و دسته بندی بر تمام ملاکهای
موهوم برتری ، قلم بطلان و خط قرمز کشید و
چنین فرمود : انما الناس رجلان مؤمن تقی
کریم علی الله ؛ و فاجر شقی هین علی الله ؛
مردم در پیشگاه خداوند بر دو دسته اند ؛
(دسته سومی وجود ندارد) دسته ای پرهیزکار
که در پیشگاه خداوند گرامی میباشد ، و گروهی
متجاوز و گناهکار که در نزد خداوند ذلیل
و خواریند .

۲- فضیلتی بنام عربیت

او میدانست که این ملت ، عرب بودن و
انتساب به این نژاد را یکی از مفاخر بزرگ خود
میدانند ، و نخوت عربیت بسان یک بیماری مسری
در عروق و اعماق دلهای آنان جای گرفته است .

درباره‌های متوالی بصورت ملت پر کینه درآمده بودند ، و همواره در وقت و بی وقت نائره جنک در میان آنها شعله ورمی شد ، و پیامبر اکرم پس از تسلط کامل بر شبه جزیره عرب بایک چنین مشکل اجتماعی روبرو شده بود ، و برای حفظ آرامش

منطقه اسلام لازم بود هر چه زودتر این درد را دوانماید ، او چاره درد را در این یافت که تمام مردم را دعوت کند تا از خونهایی که در دوران جاهلیت ریخته شده بود صرف نظر کنند ، و تمام پرونده هارا مختومه اعلام نمایند . و از

بچه‌ها باید وسیله پدر و مادرشان

بزرگ شوند

در لوس آنجلس روی یکصد بچه‌ای که پنجاه نفرشان بدون مادر و پنجاه نفرشان بدون پدر بزرگ شده‌اند از لحاظ روحی آزمایش‌های متعددی نموده و به نتایج عجیبی برخورد کرده‌اند . پنجاه نفر از این کودکان که پدرانشان از خانه فراری شده‌اند و در نتیجه این کودکان بدون پدر و بوسیله تنها مادرانشان بزرگ شده‌اند همه‌شان مثل خانها خیلی حساس ، گوشه نشین ، ترسو ، و از معاشرت گریزان بار آمده‌اند .

اما بچه‌هایی که از طرف مادرانشان ترک شده‌اند در سن های ۱۴ ، ۱۵ و ۱۶ برای اثبات شخصیت ، جوانان متعددی و متجاوز و با سرعت زیاد متما بنا ، به اعمال جنسی میباشند .

باید به این دو گروه بچه‌ها که ذکر شد یک گروه سومی هم علاوه شود ، این گروه بچه‌هایی هستند که قبل از نکاح رسمی متولد شده‌اند .

در این گروه آخری تمایل به جرم و جنایت و سایر اعمال قبیحه‌شمت درصد از بچه‌های دیگر زیاد تر دیده شده .

دانستند انیکه مشغول تدقیق در این قسمت بودند از دولت کالیفرنیا رسماً درخواست کرده‌اند که والدین اطفال را مجبور نمایند تا خودشان بچه‌های خود را بزرگ نمایند .

این طریق از هر گونه خونریزی که نظم و آرامش را بهم میزند جلوگیری بعمل آورد ، و اندیشه حمله و غارت و قتل را که بعنوان قصاص و بصورت مقابله ممکن بود انجام بگیرد از مغز آنها بیرون آورد .

او برای رسیدن به این مقصد چنین اعلام کرد: **الا ان كل مال و مائة و دمه فی الجاهلیة تحت قدمی هاتین یعنی: من تمام دعاوی مربوط به جان و مال و همه افتخارات و هوم دوران گذشته را زیر دو پای خود نهاده ، و تمام آنها را بی اساس اعلام مینمایم .**

اخوت اسلامی: قسمتی از سخنان پیامبر در آنروز مربوط به اتحاد و اتفاق مسلمانان و حقوقی که مسلمان بر گردن برادر مسلمان خود دارد میباشد، نظری از بیان

این مزایا این بود که افراد خارج از اسلام با دیدن يك چنین رشته الفت و وحدت ، و حقوق ، قلباً به اسلام متمایل شوند و در ردیف مسلمانان در آیند . اینك متن سخنان وی :

المسلم اخو المسلم والمسلمون اخوة ؛
هم پدر و احدۀ علی من سواهم ؛ تنكافؤد مالهم
یسعی بدمتھم اذناھم ؛

یعنی: مسلمان برادر مسلمان است ، و همه مسلمانان برادر یکدیگرند و در برابر اجانب حكم يك دست دارند ، خون هر يك با دیگری برابر است ، كوچكترین آنها از طرف مسلمانان میتواند تمهد نماید . (۱)

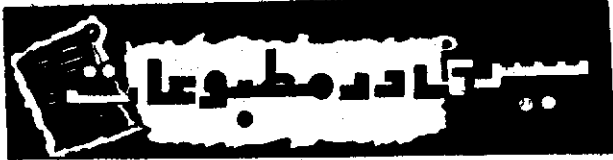
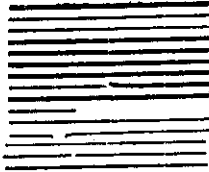
جنایتگران دستگیر میشوند

جای گفتگو نیست که پیامبر اسلام نمونه بزرگ عطف و مهر بانی و غفو گنشت بود ، و علی رغم احساسات تند گروه افراطی غفوعومی را اعلام نمود ، ولی در میان آن گروه چند نفر انگشت شماری بودند که جنایات سنگین و جرم بزرگی داشتند ، و هرگز صلاح نبود با آنهمه فجایع صاف و راست در میان مسلمانان راه بروند و چه بسا در آینده از این غفوسوه استفاده کرده و تحریکاتی بر ضد اسلام انجام دهند . برخی از آنان در کوچه و بازار و یادرمسجد الحرام وسیله مسلمانان کشته شده و دو نفر از آنها به خانه دام هانی ، خواهر علی (ع) پناهنده شده بودند ، علی در حالیکه غرق سلاح بود ، خانه را محاصره نمود ، ام هانی درب خانه را باز کرد ، خود را در برابر افسر ناشناسی روپرو دید ، فوراً خود را

معرفی کرد و گفت من بعنوان يك زن مسلمان به به این دو نفر پناه داده ام ، پناه زن مسلمان مانند مرد مسلمان محترم است ، علی (ع) در این لحظه برای شناساندن خود کلاه جنگی را از سر برداشت دیده خواهر به برادری افتاد که حوادث روزگار سالیان درازی میان آنها جدائی افکنده بود ، بلافاصله دید گانش غرق اشك گردید ، و دست در گردن برادر خود افکند و هر دو نزد پیامبر رفتند و پیامبر نیز امان این زن را محترم شمرد عبدالله بن سعد بن ابی سرح که نخست اسلام آورده و بعداً از آئین اسلام بیرون رفته بود ، یکی از این ده نفر بود که باید کشته شود ، ولی اونیز وسیله شفاعت عثمان از مرگ نجات یافت . سرگذشت عکرمه و صفوان ، عکرمه بن ابی جهل آتش افروز جنگهای پس از بدر ، به یمن فرار کرده ولی با شفاعت همسر خود نجات یافت ، صفوان بن امیه علاوه بر جنایات گرانبار ، مسلمانی را به انتقام خون پدرش امیه که در جنگ بدر کشته شده بود ، در مکه روز روشن در برابر دیدگان مردم بدار آویخته بود ، وی از ترس مجازات تصمیم گرفته بود که از طریق دریا از حجاز خارج شود بالاخص که اطلاع یافته بود که اونیز جز عهمن «لیست» ده نفریست ، عمیر بن وهب از محضر پیامبر در خواست نمود که از تقصیر او درگذرد ، پیامبر شفاعت او را پذیرفت و عمامه خود را که با آن وارد مکه شده بود بعنوان (بقیه در صفحه ۶۵۰)

(۱) مدارك مادر نقل این فرازا : روضه کافی ص ۲۴۶ ، سیره ابن هشام ص ۲ ، ۴۱۲ ، بحار

ص ۲۱ ، ۱۰۵ ، شرح ابن ابی الحدید ص ۱۷ ص ۲۸۱ .



نمونه‌ای از فیلمهای

تحریک آمیز سکسی در سینماهای تهران

بقیه از ص ۱۵۵ گزارش استانیالیسم

گریزه کدامیک لازم است
بحث مفصلی است که بدرازا
میانجامد ، دانشمندان
معتقدند که غرایز بشری
بطریقی سالم باید اقناع شود
اشباع ساختن غریزه بهر نحو
ودر هر مورد زیان بخش است.
علل بروز افکار (فریاد)
منظور اینست که وجود غرایز
مختلف درست بهمین میزان
که در نهاد آدمی است برای
ادامه حیات و بقای بشر
لازم است و بدون داشتن آنها
نمی‌توان بزنگی ادامه داد
وحتی اگر سعی داشته باشیم
آنها را بکلی و یکباره اقناع
کنیم اغلب بقیمت جان یک
فرد و یا بنا بودی کلی بشر
میانجامد محرومیت های ←

روزنامه جوان مردان بنقل مجله خواندنیها شماره
۲۷ بتاريخ ۳۰/۰۳/۴۷۱ تحت عنوان فوق مینویسد:
دختر جوان با طرز هیجان انگیزی همه لباسهای
خود را از تن بیرون آورد و لخت و مادرزاد در آغوش
مرد جوان که او هم لخت بود قرار گرفت و...

این صحنه و قسمت دیگر نظیر آن همه پدرها و
مادرهائی را که همراه بچه‌هایشان برای تماشای فیلم
بان سینما رفته بودند واقعا و به تمام معنی غرق در
خجلت و شرمساری نمود و من بخوبی میدیدم که
بانگ اعتراض و نفرت از گوشه و کنار سینما بلند
شده بود و بچه‌های جوان هم ، با کنجکاوی این
صحنه‌های تحریک کننده را تماشا میکردند ...

چرا وزارت فرهنگ و هنر باید اجازه دهد که
فیلم‌های سینما در سری ناموسی و فحشا را به دختران
و پسران پیامورده ؟ چرا باید اجازه دهند که صاحبان
بعضی از سینماها برای آنکه جیب‌هایشان را پر پول
کنند بان نشان دادن اینگونه صحنه‌های فجیع روزگار
بچه‌های بی گناه مردم را سایه کنند و دستگاه مسئول
اینکار هم خاموش بنشیند و بر آن صحنه بگذارد .
مکتب اسلام: ما نیز بنوبه خود متأسفیم که چرا

وزارت فرهنگ و هنر بوظیفه خود عمل نمی کند و این امر حیاتی را نادیده می گیرد و در عین حال تعجب ما از پدران و مادرانی که بفکر آینده فرزندان خویش نیستند و اجازه می دهند چنین فیلم هائی را تماشا کنند بیش از مقامات و دستگاه های مسئول است . وقتی خود مردم بفکر نباشند و اصول اخلاقی را نادیده بگیرند و دستگاه کنترل کننده ای در کار نباشد از فیلم سازان و صاحبان سینما که صرفاً بخاطر پول فعالیت می کنند چه انتظاری میتوان داشت ؟

آوارگان شب

یکی از مجلاتی که بنام بانوان منتشر میشود در شماره ۵۳۹ خود در مقاله ای تحت عنوان آوارگان شب مینویسد: «بایک نگاه بوضع طبقه ای که در اصطلاح طبقه متوسط خوانده می شود بخوبی میتوان نتیجه گیری کرد که فساد در این طبقه بسیار کمتر و اندک است، دلیل آن بگمان ما قبل از هر چیز بختگی و شناخت اصالت زندگی و رضایت از آن است، در این طبقه هنوز فساد رخنه نکرده تفاهم ها و بخصوص محکم بودن روابط ناشوئی و پاپر جانی اعتقادات مذهبی و اخلاقی سدی محکم در برابر نفوذ فساد است.»

سپس درباره طبقه مرفه می نویسد: حتی در طبقه مرفه نوعی فساد احساس میشود که اگر چه آوارگی شبانگاهی را به همراه ندارد ولی عامل ایجاد شیوع فساد است باز بودن دروازه های خارج فیلم و رسانه های فاسد کننده، بیکاری و بیکارگی و تشنگی پایان ناپذیر و کام خواهی های انحرافی و مهمتراز همه نادیده انگاشتن موازین قابل احترام اخلاقی و اجتماعی، عدم حس مسئولیت و غیره از عواملی هستند که در میان طبقه مرفه افرادی را بانحراف و فساد میکشاند

۴۱ ژستنا نسبا لیسیم
زیاد در دوران قرون وسطی
سبب تحریک شدید احساسات
مردم آن دوران شده و برای
جبران آن (فلسفه فرویدیسیم)
روی کار آمد و گفتند برای
جلو گیری از پیدایش عقده
های روانی و بالتبجه
بیماریهای مختلف غرائز
آدمی را در دوران های مختلف
زندگی هر چه بهتر اقیان
کنید و (فروید) اصرار
زیاد روی غریزه جنسی
داشت و علت اصلی اغلب
بیماریهای روانی را عدم
اقتناع آن غریزه در دوران
جوانی میدانست و راه علاج
آنرا بهوض درس تسلط بر
نفس و راه نمائی حقیقی
اشباع کامل آنها می شناخت.
بعدها (فلسفه فروید) بین
جوانان محروم و ستمدیده
دوران جنک رواج بیشتر یافت و
عمومیت گرفت و نتیجه این شد
که اگر قرا را ستمی برای
جلو گیری از ابتلائات
روانی غریزه های تناسلی
خود را اقیان کند چرا
سایر غرائز را مسکوت گذارد
و فلسفه ای از ژستنا نسبا لیسیم

درد این جاست که اگر آن زن شهرستانی یا رانده از خانه شوهر بدنبال نیازمادی و بر اثر فقر بدامن فساد می افتد این قبیل زنان بی آنکه چنین کمبودهای را احساس کنند بامیل و رغبت خود را آلوده میسازند متأسفانه اپیدمی خیلی زود پدیدار میگردد، پاره ای زنان مرفه را می شناسیم که گمان میکنند اگر هوسهای سرکش آنها اقناع و راضی نگردد موجودی عقب افتاده، بی عرضه و امل هستند! اینها بایکدیگر مسابقه میگذارند و از بازگو کردن انحرافات اخلاقی خود که اگر فساد انگیز تر از وضع زنان آواره شب نباشد دست کمی از آن ندارد دروازه های فساد را میکشایند. **هکتب اسلام:** این بود خلاصه ای از اعترافات مجله ای که نام بانوان منتشر میشود و شیوع فساد در بین طبقات مرفه بملت باز بودن دروازه های خارج بروی فیلمها و رمانهای فاسد و نادیده انگاشتن موازین اخلاقی و اجتماعی تأیید مینماید.

آنوقت همین مجله و مجلاتی مشابه آن برای دامن زدن بآتش فساد و برای اینکه بقول خودش در مسابقه فساد عقب نماند مقالات و رمانهای شهوت انگیزی منتشر نموده از جمله مدتی است مقاله ای تحت عنوان «یک اطاق و هزار زن»، داستان کاملی که حکایت از رابطه نامشروع یک مرد با زنان هرزه (که غالب آنها بقول نویسنده از زنان هنرمندا و پیشناز و پیشروا بوده اند) میکند با جریان ریزه کاریهای چاپ میزند، تنها به بهانه اینکه دختران جوان و زنان فهیمه بخوانند و پند بگیرند! (و شاید هم یاد بگیرند!).

لاک ناخن برای سگها

در آخرین کنگره جمعیت حمایت حیوانات که در

اگر یساعانیسا لیسیم
دنباله فلسفه فروید پرچم
افراشت که اقتناع غریزه
خود نمائی بهر طریق که
امکان دارد و از هر راه که
مورد پسند است سبب آرامش
روان میشود و بالاخره قرار
شد در این فلسفه برای جلوگیری
گیری از عوارض بعدی
روانی هر کس آنچه آرزو
دارد بمیل خود بر آورد و
غرائز خود را اقتناع و خود را
یکباره خلاص کند.

فرجام زشت

حال اگر قرار باشد این
فلسفه در دنیا رواج یابد
چگونه نسل بشر در اندک
مدت رو بنا بودی میرود
یعنی غریزه حفظ ذات که
مهمترین غریزه موجودیت
بشر است اقتناع نمیشود زیرا
فرض کنیم سر بازی در سنگر
خویش بدفاع از همین پرداخته
است او با شنیدن اولین صدای
گلوله برای حفظ جان خود
باید بسرعت فرار کند و خود
را در محل امنی مخفی سازد
تا از کشته شدن برهد و در
اینحال فرماندهان نه تنها
حق ایراد با او ندارند

شیکاگو تشکیل شد دو طرح پیشنهاد شد که با اتفاق آراء تصویب شد و قرار شد بلافاصله مقدمات پیاده شدن آن فراهم شود یکی از دو طرح مربوط است به تولید لاک ناخن برای سگها در ۱۶ رنگ جورواجور و دیگری تولید صفحات آموزشی برای آموختن زبانهای مختلف به طوطی هاست (تهران مصور شماره ۱۳۱۰)

مکتب اسلام:

درست همزمان با مرگ میلیونها نفر مردم بیافرا از گرسنگی، و فقر و فاقه عمومی در بسیاری از کشورهای افریقائی و آسیائی، در آمریکا جمعیت حمایت حیوانات لاک ناخن برای سگها سفارش میدهد، و در یک ضیافت که همین اواخر در پرتغال برگزار شد در دو شب بیش از هشت میلیون تومان خرج میشود و تنها یک جنگل طبیعی برای تماشای مهمانان شرافتمند! آتش میزنند که خاموش کردن آن بنقل جرائد شصدهزار تومان هزینه بر میدارد. ایکاش کسانی هم برای حمایت از انسانهای مظلوم و گرسنه قدمی بر میداشتند.

فرزندان گناه

اروپای زمان جنگ و بعد از جنگ شاهد تولد بسیاری از این فرزندان گناه بوده و هست. ملیونها کودک در کشورهای اشغالی آلمان و سپس در آلمان شکست خورده پا بر سره وجود گذاردند در حالیکه نمی دانستند پدرشان کیست؟ این فرزندان امروز مراحل جوانی را می گذرانند و قسمتی از نسل امروز اروپا را تشکیل میدهند.

این نسل، نسلی است عصبان زده، انتقام جو، ناراحت و بالاخره سیری ناپذیر و لذت طلب، نسلی که حاصل درد ورنج فریب مادران و کینه و خشم و

۱۳۱ گریستانسیالیم
بلکه باید غریزه حفظ ذات
اورا بستایند و تقدیر نامه
بلند بالائی باو بدهند که
خوب توانسته است در نجات
خود بکوشد! و یا دزدی
که برای تسکین حس
کنجکاوای خود همدمستان و
وسائل لازم تهیه میکند و
شبهانه بیانک بزرگی دستبرد
میزند نه تنها نباید مورد
مؤاخذه قرار گیرد بلکه
لازمست سندلیاقت اورا نیز
امضاه کنند و او را مورد
نوازش قرار دهند که توانسته
است حس کنجکاوای چند
نفر را بخوبی بیازماید و
موفق شود.

یا آنکس را که برای اقناع
غریزه جنسی بهر کار زشتی
دست میزند باید مورد
تفقد قرار داد و سعی کرد
وسائل کارش هر چه ممکن
است بهتر فراهم شود و یا آن
کس که برای اقناع غریزه
خود نمائی مردم بیگناه را
از دم تیغ میگذراند و خود
را برتر از همه می شمارد باید
مورد پرستش قرار داد و
تحسین کرد.

بدین طریق پرواضح است
که دنیای آرزو چه دنیای

۱ از رستانسیا لیم

آشفته و خطرناکی خواهد شد که تموش برای ما دشوار است .

در حالیکه خداوند بزرگ جسم بشر را طوری ساخته است که اطفال غریزه همواره بمقیاس کم و معتدل مطلوب است و بی .

مثلا معدۀ آدمی را بصورت کیسه ای تو خالی آفریده که از این سو غذا وارد و از آن سو خارج میشود ، هر گاه کمی غذا بیشتر وارد آن شود دردمیگیر دوزیا نبخش است . افراط در اعمال غریزه جنسی نظم عمومی بدن را بر هم میزند و بیماریهای خاصی پدید می آورد . در حالیکه اشباع صحیح این غریزه باعث اعتدال سلامت و آرامش خاطر پدید میآورد ، بدین طریق خداوند اطفال غریزه را با اعتدال و میانه روی توصیه فرموده و بی نه امساک آن مفید است و نه افراط آن درست . هر چیز غیر از این باشد خلاف دستور الهی و بزیان سلامت جسم و جان است .

(نقل از ماهنامه دانشمند)

جنایت پدران خود است برای ارضای تمنیات خویش حد و مرز نمی شناسند و چون خود را مقید به هیچگونه اصول اخلاقی نمی یابند هر نوع عملی را برای خود مجاز میدانند .

برای این نسل ، نسلی که در کودکی آغوش پر مهر مادر را ندیده و دست نواز شکر پدر را بر سر خود احساس نکرده است ، اجتماع مفهومی سوای مفهومی که ما برای آن قائلیم دارد ، دنیائی که او برای خود ساخته پایه هایش بر نامرادی و رنج و عقده های تمام نشدنی بنا شده است که در آن از لطف و صفا خبری نیست ، معنویات را در آن راهی نیست ، افراد این نسل آلوده و بیکاره اند و علاوه بر آنکه سر بار جامعه اند خود سازنده فرزندان گناه دیگری هستند .

در آلمان بیش از سایر کشورهای اروپائی فرزندان گناه وجود دارد همین جهت نسل جوان این کشور لجام گسیخته تر بنظر میآید و تمایل بیشتری با ارتکاب با اعمال گناه آلود دارد بسیاری از این افراد دستجات متشکلی در شهرهای مختلف آلمان ترتیب داده و از تاریکی یا خلوت بودن خیابانها استفاده کرده به عابرین بویژه زنها و دخترها حمله میکنند ، چندی قبل در شهر کلن ، گروهی از فرزندان لجام گسیخته گناه که کت چرمی و شلوار تنک و چسبان پوشیده بودند و در میان آنها چند دختر نیز دیده میشد به مادری که فرزندش را در کالسکه ای حمل میکرد هجوم برده و پس از آنکه لباسهای مادر را پاره کردند کالسکه ای را که جگر گوشه اش در آن خفته بود واژگون کردند .

دسته ای دیگر کلاه پیرزنی را ربودند و سیگار برك يك پیر مرد را در دهانش فرو کردند و با آژیر پلیس

(بقیه از صفحه ۵۹)

نشانه‌مان به‌وی داد ، بانسانه پیامبر وارد جدہ شد ، و صفوان را همراه خود به مکہ آورد ، وقتی چشم پیامبر به بزرگترین جانین زمان افتاد ، باکمال بزرگواری گفت جان و مال تو محترم است ، ولی خوب است که به آئین اسلام مشرف شوی ، وی دو ماه مهلت خواست که در پیرامون آئین اسلام به فکر و بررسی پردازد ، پیامبر فرمود : من بجای دو ماه ، چهار ماه به تو مهلت میدهم که باکمال بصیرت این آئین را انتخاب نمائی ، هنوز چهار ماه سپری نشده بود که وی اسلام آورد (سیره ابن هشام ص ۲۷۱۷)

بررسی اجمالی این مهلت که پیامبر به صفوان داد پرده از یک حقیقت قطعی اسلام که خاورشناسان مغرض سرسختانه با آن مخالفت میکنند ، بر میدارد و آن حقیقت اینست که سران شرک در اختیار آئین اسلام کمال آزادی داشتند نه تنها اجبار و ادعایی در کار نبوده است ، بلکه سعی میشد که پذیرفتن یکتا آئین آسمانی از طریق تدبیر و بررسی صحیح صورت بگیرد نه از طریق ارعاب و ترس .

فرار کرده از آن نقطه دور شدند . این افراد باشکاهائی باسامی « سک وحشی » « پیرمرد » « گروه پلنگ » « جهنم فرشتگان » در شهرهای مختلف تأسیس کرده اند که هدف کلیه آنها یکی و آن هم مخالفت با نظام اجتماعی است .

تهران مصورشماره ۱۳۱۰

مکتب اسلام : این است نمره کوچکی از محصولات جنگ جهانی دوم که بخاطر حرص و آزو جاه طلبی بعضی از مدعیان بشریت درگیر شد و

ملیو نهانسان قربانی آن شدند و مفاسد اجتماعیش هنوز که هنوز است چشم گیر بوده دودش بچشم انسانهای مظلوم میرود .

هاید پارک لندن !

هاید پارک باغ ملی لندن است و از دیرباز این باغ بصورت مظهر آزادی و دموکراسی در آمده است ما برای معرفی هاید پارک نوشته در و برت لیتل ، نویسنده آمریکائی را میآوریم و مینویسد : و اینجا لندن است من در هاید پارک هفتم یک دو جین ، بلی دوازده نفر روی دوازده کرسی خطابه ایستاده اند و از هر چیزی صحبت میکنند یکی میگوید عصر ماعصر بدبختیها و فاجعه هاست . دیگری فریاد میکشد ایرلند و انگلستان باید متحد شوند ، سومی از یک مسیح دیگر که همین روز بجهان خواهد آمد سخن میراند چهارمی فریاد میکشد کابینه انگلیس باید استعفا دهد .

یکی از این ناطقین چنان لحن و حرکات تهدید آمیزی داشت که یک جهانگرد خارجی بی اختیار چند قدم بمقب رفت اما انگلیسها بریش او خندیدند . ناطق فریاد میزد این پلیس لندن خودش نظم را بهم میزند در همین وقت یک پلیس سر رسید جهانگرد خارجی باو گفت آقای پلیس این افلاطون عصر ما خیلی تند میراند دارد بخود شما فحش میدهد جلوی دهنش را بگیرید .. ولی پلیس دوسه قدم پیش رفت و سلام نظامی بجهانگرد داد و گفت : معذرت میخواهم خواهش میکنم موتور اتومبیلتان را خاموش کنید تا مردم بهتر بتوانند حرفهای این ناطق را بشنوند ..

در ایام جنگ دوم جهانی نارضائی مردم لندن خیلی زیاد بود باین جهت بازار نطق در هاید پارک